



«من به عنوان یک روستایی، در کشاورزی، حدود زمین‌هایم را و در دامپروری، حدود چریدن گله‌هایم را مرزبندی می‌کنم. با ایجاد حریم؛ حدود و ثغور کار خود را تعیین می‌کنم و با این کار از ایجاد اختلاف جلوگیری می‌کنم. من با پرچین یا دیوار، مرز باغ و خانام را با دیگر باغات و خانه‌ها، مشخص می‌کنم؛ آنها اجازه ورود و تصرف در آنچه من تعیین کرده‌ام را ندارند. خانه، خانواده، ناموس و آنچه من مالک آن هستم، حریم من محسوب شده و نامحرم را حقی در تعدی و تجاوز به آنها نیست. اگر از دید شرع، حرام است که نامحرم به حریم من وارد شود، از دید یک روستایی من غیرت دارم و نسبت به همه داشته‌هایم؛ مانند ابرو، عزت و کرامت، غیور هستم». این یک اصل برای من روستایی است و نمی‌دانم در نزد شما بالانشینان چه معنایی دارد؟!

این روزها شاهد آن هستیم که مرزهای کشور منن جابه‌جا می‌شوند! مردان و وکلای سیاسی ما که در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری فعالیت دارند؛ مثل اعصار قدیم و مانند عملکرد برخی پادشاهان که در کتاب‌های تاریخ (ابتدایی و راهنمایی) خوانده‌ام که معاهدات ننگین را در استعمار کهنه و نو امضا می‌کردند، عمل می‌کنند. تنها فرق آنها این است که در آن زمان با دادن خاک و امتیازات به استعمار، عزت و هویت کشور و ملت ایران را زیر پا می‌گذاشتند و امروز در بازی مفاهیم و متن قراردادها که باب هر نوع تفسیر و تحریف در آن باز است «مِنَ الذِّینَ هَادُوا یَحْرَقُونَ الْکَلِمَۃَ عَنِّ

»

محمدمهدی بندرچی: باغ برجام گلایی نداده خشکید و کسی نپرسید آیا در ایسن کویر سیاست‌زده یک نفر درس باغبانی نخوانده بود تا پیش‌بینی کند تاراج آفت در کمین حاصل یک مملکت ایستاده است. سخنان دکتر فؤاد ایزدی- دانش‌آموخته آمریکا و استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران- این روزها بازنشر می‌شود تا عالم علم به یاد بیاورد شاگردان مدرسه سیاست، با نومی حقایق فردا را گفتند اما سخت‌ترین پاسخ‌ها را از چارسوشتیشان بازار قدرت به جان خریدار شدند. پیش‌بینی دکتر ایزدی به حقیقت پیوست، زیرا کار علم، مطالعه روی روند وقوع حقایق است و این مطالعه در سطح علوم عام اجتماعی بسی دشوارتر می‌نماید. اینجا رمل و اسطرلابی برای هندس حقیقت یا تعقیب مسیر کوکاب در کار نیست. اینجا صحبت از تحلیل مسیر رخدادها با فراوانی تکرارهاست که در نهایت در چهره انبوهی از تئوری‌ها هویت یک رشته علمی را مفصل‌بندی می‌کند. بدیهی است قدرت و صحت تبیین آینده هم با فرارسیدن فردا هویدا می‌شود. امروز که فردای معهود رسیده و محک تجربه بر پوستین وارونه حقیقت ناخن می‌اندازد، آنان که غش در کار خویش روا می‌داشتند تاب سپهر‌رویی ندارند و باز رنگ دغل بر چهره آشکار واقعیت می‌باشند. چگونه واژه امید را هنوز بر بیرق خویش نقش می‌کنند؟! آنسان که حقیقت را در پس و پیش لگدمال کرده‌اند!

نماینده‌ای از همین «امید»‌های واهی، با ادعای حقوق‌خواندگی و به ترازوی عدالت‌قسم‌خوردگی، وقتی در کنش‌های سیاست مجازی با کلمنتی به عنوان یادآوری فیلم سوال دکتر ایزدی از تیم برجامی مواجه شد، به جای سکوت یا پذیرش واقعیت، به مغالطای رسوا توسل کرد. آیا این نماینده عصاره ملت، طی سال‌ها تحصیل در حوزه یا تدریس در رشته قوانین هم همین‌گونه در جست‌وجوی واقعیت می‌جهیده است؟! اگر چنین بوده، پس هزار آفرین بر جاهلان امت که عمر خویش را صرف تعلم بازی مغالطه نکرده‌اند.

چقدر دردآور است در مقابل تحقق پیش‌بینی یک استاد آمریکاشناسی دانشگاه تهران می‌بینیم

کشور را به سوی وابستگی دائمی شتاب ندهید

معاهدات اخیر و جابه‌جا شدن مرزها

■ دکتر حسین‌علی رمضانی* ■

تهدیدات محیطی اعم از داخلی و خارجی بهتر عکس‌العمل نشان خواهند داد. حال وقتی مرزی کوچک‌تر می‌شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ بر فرض در اعصار گذشته در استعمار قدیم، سرزمین و جغرافیا فتح می‌شد و در جنگ‌ها و فشارهای نظامی، پادشاهان مجبور به دادن امتیازات در قالب معاهدات طبق قواعدی که حاکم بر سازی جنگ (War Game) بوده است، شده و مرز سرزمین محدود و محدودتر می‌شد اما در استعمار نو، جابه‌جا و محدود کردن مرزهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اطلاعاتی، زیستی و در هسته مرکزی آن علمی، باعث کوتاه و کوچک‌تر شدن میدان عمل خواهد شد. چه بسا در برخی معاهدات مانند برجام، پالرمو، FATF، U Turn، طبق قاعده حریف در

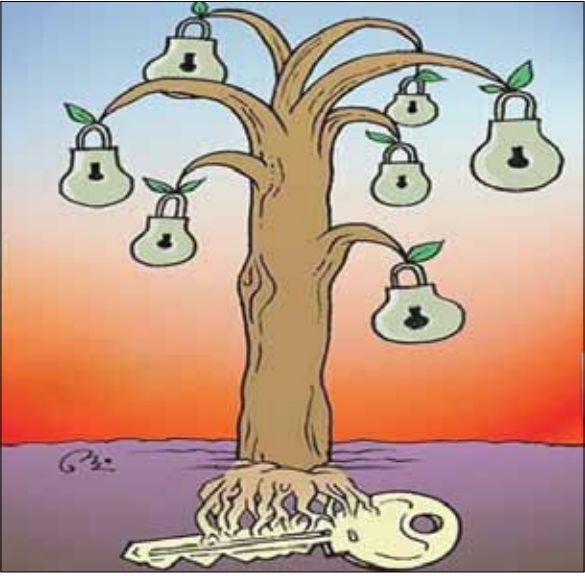
بازی جنگ، در حال باخت به دلیل محدود کردن دایره عمل و کوچک کردن مرزهای علمی در عرصه هسته‌ای و در FATF، محدوده و دایره مرزهای اقتصادی اعم از سازمان‌های اقتصادی و افراد کنشگر در این موضوع را به پنهان پولشویی و مقابله با گردش مالی جریان‌های تروریستی، کوچک می‌کنیم. نتیجه قبول این معاهدات چیزی جز ضربه‌پذیر کردن لایه‌های مختلف علمی کشور نخواهد بود، البته نتایج حاصل از امضای یک معاهده اثرات نزدیک و دور و نیز مستقیم و غیرمستقیم بر تمام سطوح و لایه‌های کشور خواهد داشت. پیامدهای آن به مرور و در بستر زمان طبق نقشه و نیت‌های نهفته‌شده بر طراحان این معاهدات، اجزای سیستم کشور را درگیر خواهد کرد. کند کردن مسیر انقلاب، انحراف یا ایجاد جریان‌های موازی و مقاوم در راستای شکل‌گیری تمدن اسلامی از جمله اهداف کلان طراحان معاهدات فوق است.

علم؛ هسته اصلی دوام و سلامت یک سیستم است. ارزان‌فروشی علم نشان از سوء‌تدبیر و مدیریت نظام سیاسی دارد. سوءمدیریت در ارزشگذاری علم و عالم و نیز عقب‌نشینی‌ها نشان از فروش ارزان علم دارد و فرار مغزها و نیز تعطیلی مراکز تحقیقاتی که در مرز دانش در حال فعالیت علمی بوده‌اند از آن جمله است و باز جمله‌ای از نویسنده که «فاتحه یک کشور زمانی خوانده می‌شود که علم دانشمندان آن را یک عده بی‌سواد ارزش‌گذاری کنند» که باید در آن تأمل کرد. علم که میانبر و راه‌حل مسائل و معضلات در ابعاد مختلف است، در عرصه

■ ■ ■

خداوندگاران مغالطه سیاسی

حکم کلی درباره ذات هیچ رسانه‌ای نمی‌توان داد و اعراض هیچ کارشناسی را نمی‌شود به صرف حضور در یک رسانه از انتفاع عاری دانست. این چه استدلالی است که شما به عنوان یک حقوقدان دارید؟ پیش‌بینی یک استاد، تحقق یافته است. در جلسه‌ای هم که سؤال مطرح می‌کند وزیر خارجه پاسخ مربوط و مستدلی به میدان نمی‌فرستد. در جمع شورای روابط خارجی اساتید دیگری هم بودند که سؤالات بهتری پرسیدند و از قضا سیخف‌ترین سؤالات را حامیان دولت پرسیدند که



اگر از بازاری‌ترین سؤال که صادق زیباکلام پرسید بگذریم، ضعیف‌ترین نکته مطروحه از زبان استاد عزیزم به عنوان رئیس بزرگ‌ترین دانشگاه علوم انسانی خاورمیانه ارائه شد. حال شما همه این واقعیت‌ها را کنار گذاشته‌اید و استدلال می‌کنید تپی‌دستی رسانه ملی باعث شده همیشه این یک

تئوری باید در علوم دقیقه به صنعت و تکنولوژی و در علوم انسانی به رفتار درست کنشگران منجر شود. اگر در یک جایی توقف حاصل شد، باید به دنبال گلوگاه، مانع و سد‌های سیستمی بود. وجود رانت‌ها و مافیای محصولات و انحصار در واردات، مانع راهاندازی صنایع و کالاهای داخلی خواهد شد و علم در دانشگاه و مراکز تحقیقاتی زانو زده و در ساحت صنعت، قیام نخواهد کرد. در این دیدگاه قدرت درون‌زای اقتصادی و بحث اقتصاد مقاومتی FATF نشان از محدود کردن مرزهای امنیت اقتصادی کشور دارد و با در نظر گرفتن اصل تعامل بین ابعاد، موج این تصمیم بزرودی لایه‌ها و سطوح مختلف کشور را در بر خواهد گرفت و نتیجه غایی آن خارج شدن از عرصه استقلال و میل به وابستگی دائم خواهد بود.

و آخر کلام، توجه شما را به این نکته اساسی جلب می‌کنم که این نظام و انقلاب، اسلامی است. هسته اولیه و مرکزی و ثقل این سیستم بر پایه «ولایت فقیه» بنا نهاده شده است. هر چیزی که به این ولایت باشد ختم به خیر خواهد شد. «وَ مَا لَکُمْ اَلَّا تَأْتُلُوْا مِمَّا ذَکَرْتُ اِلَیْهِمْ عَلَیْهِ وَ قَدْ فَضَّلَ لَکُمْ مَا حَرَّمَ عَلَیْکُمْ اِلَّا مَا اضْطُرُّوْا اِلَیْهِ وَ اِنْ کَثِیْرًا فَاِضْلُوْهُنَّ بِاُخُوْثَیْهِمْ بِغَیْرِ عِلْمٍ اِنَّ رِیْکَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِیْنَ». بحث مجاز شدن برای اکل چیزی منوط به آوردن ذکر اسم‌الله بر آن است؛ وقتی اطاعت از خدا، رسول و اولی‌الامر در قرآن مطرح می‌شود در تنازع بر سر رفتن پای مذاکره و امضای معاهد‌ای مانند برجام یا FATF، باید به نظر ولایت توجه داشت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا». هر تصمیم و عملی که باید فصل‌الخطاب کلام ولایت باشد یا در حکم حکومتی اخیر ایشان، مبنی بر دستور از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای می‌شود، نشان از جایگاه و شأن این مقام در سیستم انقلاب اسلامی دارد، بنابراین هر تصمیم و عملی که با این ولی امر و در سلسله مراتب مشروعیت شکل بگیرد، به سرانجام مطلوب خواهد رسید و بر غیر این صورت نتیجه و پیامد آن ابتر خواهد ماند و خسران در انتظار کشور و انقلاب خواهد بود.

■**مدرس دانشگاه و پژوهشگر علوم انسانی**

که قبول می‌دهد در آینده (مثل امروز) کاره‌ای نیست، بلکه کسی دیگری رهبر آمریکاست و اصولاً آمریکایی‌ها به سه قول‌هایی که داده‌اند عمل نمی‌کنند و مثل پیمان کیوتو اصلاً نمی‌توانند عمل کنند، چنین کسی در سیاست بین‌الملل یک بی‌سواد است. آیا این استاد محترم نیز مصداقی از کارشناسان رسانه تپی‌دست ما بود؟ مطمئنید اگر دامنه کارشناسان حاضر در رسانه وسعت بیباد شما جخلت‌زده‌تر نمی‌شود؟؛ منطق‌تان این است که هر کس بگوید شما اشتباه می‌کنید از انبان سوراخ و تپی مدیران نظام بیرون آمده است؟ شما که دست‌تان بر بوده چه حرفی و چه برنامه‌ای برای ارتقای سطح تدبیر کشور به کار بستید؟

تخیر جناب حقوقدان حق‌گرا! نخیر! به تعبیر حکمای یونان؛ سیاست، سلطان علوم است. شما همین صرف علم بودن سیاست را بپذیرید، خواهید دید بسیاری از مسیرها غلط بوده‌اند و صدها مسیر جدید در مقابل‌تان خودنمایی خواهد کرد. به شرطی که قلم به مزدی را برای ارتزاق صاحبان اندیشه در جامعه اندیشه‌ورزان رواج ندهید. دکتر فؤاد ایزدی که یک استاد گرانمایه است؛ این بنده که دانشجوی بی‌مقداری بودم، بهار ۹۳ طی چند مقاله عرض کردم که نهایت خواسته آمریکایی‌ها گسترش کنترل بر ۳ عنصر موشک‌ها، سپاه قدس و مقاومت حزب‌الله است و در نهایت آنچه اروپایی‌ها-با آن بافشاری می‌کنند ظهور یک انورسادات در ایران خواهد بود. پیش‌بینی این قلم کوچک غلط بود؟ حتماً هزار مغالطه دست و پا خواهید کرد تا با سر کوب استدلال‌های علمی، حقیقت را خاک بر سر کنید ولی اگر باطن شما اندک نوری دارد بخوبی می‌فهمید تمام آن پیش‌بینی‌ها درست بود. پس بهتر است ایمان بیاورید تئوری‌های علم سیاست – در همین حدی که غربی‌ها نوشته‌اند و هنوز حتی نطفه‌ای برای دانش بومی ما منعقد نشده- قدرت پیش‌بینی و تحلیل رفتار واحدهای سیاسی رقیب را میسر می‌کنند. توصیه این گوشه‌نشینان را بپذیرید که فروگرفتن گرز سفسله بر فرق علم، نتیجه‌ای جز فنا برای کوبنده به بار نمی‌آورد.

روزنه

فرانودم، راهبر دموکراتیک محو اسرائیل



محمودجواد روحی*: رهبر انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان دانشگاهی برگزاری فراندوم در فلسطین را یک راهکار ایرانی برای پایان بحران فلسطین دانستند که بر پایه موازن حقوق بین‌الملل و منشور حقوق‌بشر است. پیشنهاد برگزاری فراندوم از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان ولی‌امر مسلمین، سابقه‌ای ۱۸ ساله دارد و ایشان طی این سال‌ها چندین بار این پیشنهاد را مطرح کرده‌اند اما پس از این دیدار برخی بدون توجه دادن به سوابق آن، تلاش کردند به افکار عمومی اینگونه القا کنند که این پیشنهاد از سوی رهبری، نوعی عقب‌نشینی از سیاست‌های ۴۰ ساله جمهوری اسلامی درباره فلسطین و در واقع شکست جمهوری اسلامی در پرونده فلسطین و ورود به عرصه جدیدی است، بویژه که بعضی از رژیم‌های عربی و اسلامی ضمن رها کردن رسمی آرمان فلسطین و قدس شریف، وارد حوزه همکاری با رژیم صهیونیستی در چارچوب طرح موسوم به معامله قرن آمریکا نیز شده‌اند و این موضوع ایران را ناگزیر از عقب‌نشینی از سیاست‌های آرمانی خود در حوزه فلسطین کرده‌است!

بعضی از به‌اصطلاح تحلیلگران مسائل غرب آسیا سعی می‌کنند به نوعی این موضوع را با خروج آمریکا از پرونده برجام مرتبط کنند، بویژه که ترامپ – پس از خروج از برجام و- پس از دیدار با رهبر کره‌شمالی گفته بود: «برباره توافق با ایران باید بگویم ایران در حال حاضر متفاوت‌تر از زمانی است که من از توافق خارج شدم. من امیدوارم آنها بار دیگر به میز مذاکره بیایند و توافق کنند. ایران با وضعیت ۳ یا ۴ ماه پیش کاملاً متفاوت است. آنها دیگر به مدیترانه چندان اهمیتی نمی‌دهند. دیگر در سوریه آن اعتماد به نفس سابق را ندارند. قبلاً اعتماد به نفس کامل داشتند».

همین افراد تلاش دارند در تحولات سوریه نوعی چرخش در مواضع روسیه در هماهنگی با رژیم صهیونیستی را القا کرده و آن موضوع و نیز ماموریت وزارت امور خارجه ایران به «جاری‌نصاری» درباره گفت‌وگو با اروپا درباره یمن را شاخص‌هایی برای عقب‌نشینی ایران از آرمان فلسطین قلمداد کنند.

این اقدام هماهنگ در واقع در چارچوب جنگ روانی و تشدید اضطراب در جامعه و زمینه‌سازی نوعی اعتراضات در ایران مدیریت می‌شود. متأسفانه ضرورت‌ها و چرایی طرح مجدد پیشنهاد فراندوم رهبر حکیم انقلاب نه از سوی دستگاه دیپلماسی و سایر دستگاه‌های رسمی کشور فهم شد و نه از سوی اصحاب رسانه بدرستی مورد مذاقه قرار گرفت.

این در حالی بود که در شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای در ابعاد وسیعی به پیشنهاد فراندوم رهبری به عنوان تغییر جدی در سیاست‌های جهان اسلامی و خاورمیانه‌ای ایران پرداخته شد!

سکوت حوزه‌های رسمی کشور و نیز رسانه‌ها در این موضوع، معظم‌له را بر آن داشت تنها چند روز پس از دیدار با دانشگاهیان، در عید فطر مجدداً پیشنهاد فراندوم را با این تاکید که فراندوم تعیین سرنوشت در فلسطین، صورت دیگر محو و نابودی اسرائیل است، مطرح کنند.

یعنی هم راهکار مقاومت و روحیه حماسی و جهادی ملت فلسطین و محور مقاومت منجر به نابودی اسرائیل می‌شود و هم برگزاری فراندوم در فلسطین که بر اساس موازن حقوق بین‌الملل است، نتیجه‌اش نابودی اسرائیل است. ساختار سیاسی غرب دقیقاً به همین دلیل تلاش دارد پیشنهاد حقوقی ایران را نادیده بگیرد.

■**کارشناس مسائل سیاسی**

منبع:خبرگزاری بین‌المللی قدس

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱